

عنوان مقاله:

شناخت فقدان های تجربه شده در تاریخچه ی زندگی جوانان ساکن تهران: یک پژوهش پدیدارشناختی

محل انتشار:

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، دوره 10، شماره 37 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسندگان:

مانی رفیعی اردستانی - دانشجوی دکتری روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

حسین اسکندری - دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

احمد برجلی - دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

نورعلی فرخی - دانشیار گروه سنخش و اندازه گیری دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

فقدان، اگرچه تجربه ای مشترک میان انسان هاست، تعریف و گستره ی آن به این واسطه که افراد مختلف برداشت های گوناگونی از آن دارند کماکان چالشی پیش روی پژوهش گران و درمان گرانی است که با این پدیده روبرو می شوند. در این مطالعه، که به شیوه ای کیفی و پدیدارشناختی، با نمونه گیری هدفمند و به کمک گروه های کانونی و مصاحبه ی ژرف نگر انجام گرفت، در مجموع تجربیات 13 نفر به صورت گروهی و 8 نفر به صورت انفرادی در خصوص تعریف شان از چپستی فقدان و فقدان هایی که در طول زندگی شان تجربه کرده اند اخذ و آوا نویسی و بر اساس روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که تعریف جوانان از فقدان را می توان در سه گونه ی کلی تعریف فقدان برمبنای از دست دادن، برمبنای پیامدهای هیجانی و همچنین بر مبنای نداشتن شیء مطلوب دسته بندی نمود. همچنین گستره ای از تجارب فقدان های فردی و ارتباطی شامل فوت افراد نزدیک، فقدان های خانوادگی، عاشقانه یا دوستانه، اقتصادی- اجتماعی، جسمانی و نهایتاً فقدان های مرتبط با مفاهیم ذهنی شناسایی شد. در نهایت مقایسه ای با تحقیقات گذشته نشان داد که فقدان ها دامنه ی وسیع تری از آنچه که تا کنون شناسایی شده بود را در بر گرفته و تا حد زیادی وابسته به زیست جهان و فرهنگ افراد مورد بررسی هستند. در نتیجه ضروری به نظر می رسد که تحقیقات آتی واکنش به فقدان های مختلف فردی و اجتماعی را از حیث شباهتشان به واکنش های متداول در سوگ مورد بررسی قرار دهند.

کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی، تجربه فقدان، سوگ، جوانان، تجربه زیسته

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/888627>

